



خسرو و امیر حسینی

... تا این که یکی از پنج فرزند سر از هنر در آورد و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشارالیه را تنگ به آغوش کشید و مقاطع لیسانس و فوق لیسانس با رتبه اول طی شد. خیر به جویندگان رسیده، یافته خود را به سان جهانیان به گرمی پذیرا شدند. نگاه هنری این یک پنجم ما را بر آن داشت که کلبه ای با سبک و سیاق این هنرمند بنا کنیم. سالی کشید تا خبر یافتیم جوانی از تبار شریعتین با سر پنجه هنریش نقش آفرینی می کند آنچنان. سالی به انتظار نشستیم تا آری ز آن بگیریم. در رفت و آمد به روستا در خانه پدری این گفته معمار طالب که بیش از دو دهه از عمر پر برکتش را پشت سر می گذارد مرا بدان جا برد که می نگاریم؛ دستهای طالب ویرانگر ساخت و سازهای بساز و بفروش است، آنچه طالب می سازد سر پناه نیست دل پناه است. این معمار گمنام مکتب نرفته خدایگان طرح و نقشه ذهنی و هنر معماری است. طالب خداوند معمار روستاست بدان حرمت نهیم همچون حرمت به آسمان آبی، جوشش آب زلال از زمین و سبزی درختان در باغها و کشت و داشت و برداشت در دستان کشاورزان. آری جناب طالب عزیز. بگذارید از توسعه روستا بگویم که دیگر توسعه روستایی دیگر صرفا به معنای توسعه کشاورزی نیست رشد و توسعه پایدار کشاورزی یکی از شاخص ترین و مهم ترین هدفهای هر دولتی است که تحقق آن طریق تحولات بنیادی همه جانبه در ساختار کشاورزی، مدیریت و بهره برداری مطلوب از منابع و امکانات، سازماندهی و هدایت سنجیده فعالیتها در چار چوب برنامه ریزی علمی و منطقی امکانپذیر خواهد بود. بر همین اساس، بخش کشاورزی در کلیه برنامه های توسعه کشور از اولویت ویژه ای برخوردار بوده و به عنوان محور و اساس توسعه اقتصادی کشور مورد توجه قرار داشته است. تنوع بسیار گسترده شرایط سرزمین، از نظر آب، هوا، خاک، منابع آب، منطقه، رطوبت، ارتفاع و تجربه های نیروهای انسانی در کشاورزی و... همه و همه دلالت بر ظرفیتهای و امکانات بالقوه و بالفعل وسیعی دارد که قلب هر کسی را که برای این آب و خاک و این مردم می تپد و هیجان می آورد و بهره برداری از این منابع لایزال خدادادی را برای بهبود شرایط زندگی نسل های کنونی و آینده این سرزمین به صورت آرزویی در دسترس ولی مستلزم تلاش فراوان جلوه می دهد. فرآیند توسعه ملی دو بعد است و یا به عبارت دیگر

توسعه روستایی

دیگر صرفا به معنای توسعه کشاورزی نیست

از دو مرحله می گذرد: مرحله تشکیل دولت و مرحله انسجام ملت. تشکیل دولت عمدتا دارای ویژگی فیزیکی و زیر بنایی است مانند ساختمان شبکه های حمل و نقل، ایجاد دیوانسالاری های مدرن کشوری و نظامی و برقرار کردن نظام های داد و ستد و اوزان و امثال آن. مرحله انسجام ملت برخلاف مرحله قبل متضمن توسعه ساختارهایی است که جنبه ارتباطی و اطلاعاتی دارد، مانند تغییر نظام های ارزشی و تغییر ساختارهای اجتماعی و گروهی. وجه مشترک هر دو مرحله به فعل درآوردن بالقوه و به کار انداختن استعدادها و امکانات در جهت تعالی، بهزیستی و رفاه افراد جامعه است که اصطلاحا آن را فرآیند توسعه می نامند. در واقع بخش کشاورزی یکی از مهمترین و تواناترین بخش های اقتصاد کشور است که تأمین کننده حدود ۱/۴ تولید ناخالص ملی، ۱/۳ اشتغال، بیش از ۴/۵ نیازهای غذایی، ۱/۳ از صادرات غیر نفتی و حدود ۱۰/۹ نیاز صنایع به محصولات کشاورزی است. توسعه بخش برطرف نشود، سایر بخش ها به شکوفایی و توسعه، دست نخواهد یافت. برای توسعه روستایی یک تعریف قابل قبولی که مورد پذیرش همه علما مربوط در سطح جهانی باشد ارائه نشده است. و لذا مفهوم توسعه روستایی در چهار چوبی تقارب و وسیع به کار برده می شود. گروهی توسعه روستایی را مانند توسعه ملی تعریف کرده اند و عده ای نیز بر مفهوم توسعه محدود به منطقه و محیط روستایی تأکید دارند، از این جهت توسعه روستایی به عنوان یک مفهوم و یک پدیده و یک استراتژی و یک دی سیپلین مورد توجه قرار گرفته است و می تواند ابراز شود. توسعه روستایی به عنوان یک مفهوم اشاره ضمنی به عمران کلی مناطق روستایی با نظر اصلاح کیفیت زندگی مردم روستایی دارد. در چهار چوب این مفهوم توسعه روستایی یک امر جامع و مفهوم و تصور چند بعدی بوده که در برگیرنده توسعه کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن یعنی صنایع دستی و صنایع روستایی، زیر بناهای اقتصادی اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و بالاتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی می باشد. توسعه روستایی به عنوان یک پدیده نتیجه عکس العمل ها و واکنش هابین عوامل مختلف فیزیکی، تکنولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی است. توسعه روستایی بعنوان یک استراتژی جهت اصلاح و بهبود وضع زندگی اقتصادی و اجتماعی یک گروه ویژه روستایی یعنی فقرا و مستمندان در مناطق روستایی طراحی می شود و بالاخره توسعه روستایی بعنوان یک دی سیپلین عبارت از برخورد و واکنش بین علوم کشاورزی، علوم اجتماعی، مهندسی و مدیریت می باشد. در واقع توسعه روستایی در طبیعت خود مجموعه چند دی سیپلین است. در هر حال توسعه روستایی فرآیند تغییرات اجتماعی،

اقتصادی و فرهنگی در محیط روستاست. تاکنون تعاریف مختلفی از توسعه روستایی توسط متخصصین و کارشناسان و سیاستمداران بیان شده است. آلبرت واترسون توسعه و عمران روستایی را یک فعالیت چند بخشی مرکبی می داند که شامل توسعه کشاورزی و توسعه تسهیلات اجتماعی برای هر فرد روستایی می باشد. او از اهداف نخستین توسعه روستایی سخن به میان آورده و معتقد است که هدف نخستین توسعه کشاورزی معمولا افزایش رشد تولیدات کشاورزی است در حالیکه هدف نخستین عمران روستایی تقویت رفاه مادی و اجتماعی جمعیت روستایی که غالبا شامل کشاورزان فقیر و برخی مواقع شامل کارگردان بی زمین کشاورزی و سایر افراد در مناطق روستایی می باشد. البته نامبرده توسعه کشاورزی و خودکفایی در کشاورزی را کلید خودگردانی عمران روستایی پایدار می داند و معتقد است که اگر قرار است برنامه های عمران روستایی پایدار بماند باید کشاورزی پیوسته حامی و پشتیبان آن باشد. بانک جهانی توسعه کشاورزی را یک استراتژی می داند که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم بویژه روستائیان فقیر طراحی شده و اجرا می گردد. این فرآیند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده پا، خوش نشینان و کشاورزان بی زمین است. بانک جهانی معتقد است که چون توسعه روستایی قصد تقلیل فقر را دارد بنابراین باید به طور وضوح طوری طراحی و اجرا گردد که تولیدات را افزایش داده و قدرت تولیدی روستائیان را نیز بالا ببرد. بانک جهانی بر اهداف توسعه روستایی نیز تأکید دارد و آن را شامل بهبود بازدهی و افزایش اشتغال و بالا بردن درآمد برای روستائیان و همچنین تأمین حداقل قابل قبول سطح تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت می داند. پروفیسور جرج اکسین عمران روستایی را چیزی بالاتر از قول انجام وعده نیکوی افزایش باروری و بازدهی کشاورزی و ایجاد رونق در بخش کشاورزی می داند. توسعه روستایی از دیدگاه او عبارتست از اعلام وعده ارزشمند افزایش شخصیت و اعتبار زندگی روستایی و تغییر زارع از یک روستایی فقیر به یک کشاورزی مرفقی و علمی و در همان حال تهیه کیفیت بالاتر زندگی، تغذیه بهتر و عرضه منظم و بیشتر مواد غذایی برای ساکنان شهرها با قیمت ارزاتر می باشد. این همان قول بهتر کردن شرایط زندگی انسانها در محیط روستاست.

اهمیت توسعه روستایی

مطابق آمارهای منتشره از طرف سازمان ملل متحد تقریبا ۶۲ درصد از جمعیت کل دنیا را روستائیان

تشکیل می دهند. در آسیا و آفریقا نسبت فوق به ۷۶ درصد هم می رسد. بعلاوه در سال ۱۹۷۲ در عالم حدود ۷۰۰ میلیون نفر وجود داشتند که قربانی فقر مطلق بودند و تقریباً ۸۵ درصد آنها در مناطق روستایی زندگی می کردند. این رقم ۷۰۰ میلیون در مقایسه با دهه قبل ۴۳ میلیون نفر افزایش نشان می دهد و با توجه به آمار فوق رقم مزبور در دهه آخر قرن بیستم باز هم افزایش پیدا خواهد کرد. گزارش بانک جهانی که در سال ۱۹۳۳ به کنفرانس گرسنگی در واشنگتن ارائه گردید می گوید: در حال حاضر ۳/۱ جمعیت جهان در گرسنگی به سر می برند و اغلب اینها در مناطق روستایی زندگی می نمایند. اطلاعات آماری موجود نشان می دهند که علیرغم پایین آمدن نسبت جمعیت روستانشین نسبت به جمعیت شهرنشین که بر اثر مهاجرت روستائیان به شهرها صورت پذیرفته است. قدر مطلق جمعیت روستایی پیوسته رو به افزایش داشته و لاجرم وضعیت نامساعد موجود هر روز وخیم تر و نامساعدتر می شود بعنوان مثال در سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ جمعیت ایران ۱۹ میلیون نفر بوده که از این تعداد ۷۵ درصد در روستاها و ۲۵ درصد در شهرها زندگی می کردند. یعنی جمعیت روستانشین تقریباً ۱۵ میلیون نفر بود لیکن بر اثر گسترش شهرنشینی و مهاجرت روستائیان به شهرها و بالا بودن رشد جمعیت و عوامل دیگر این نسبتها تغییر کرده بطوری که در سرشماری ۱۳۳۵ که جمعیت کشور ۳۶ میلیون نفر بود نسبت جمعیت روستانشین ۵۰ درصد و جمعیت شهرنشین نیز تقریباً ۵۰ درصد اعلام شد. اگر نسبتهای فوق را هم اکنون نیز صادق بدانیم جمعیت روستانشین کشور باید حدود ۳۵ میلیون نفر باشد که از دو برابر جمعیت روستانشین کشور در سال ۱۳۳۵ بیشتر است. با توجه به آمار و ارقام مذکور انجام عملیات عمرانی در سطح روستاها و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی این مناطق امری حیاتی می باشد. چنانچه می دانیم اقتصادی کشورهای جهان سوم اغلب بر تولیدات کشاورزی متکی است و فعالیتها ی کشاورزی هم غالباً در روستاها انجام می شود لذا از یک طرف به خاطر بهبود بخشیدن به روشهای سنتی تولید کشاورزی و بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع محصولات کشاورزی و متعاقب آن تخفیف گرسنگی و محو فقر و از طرف دیگر به منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی روستاها که خود منبعث از توجه به مسائل انسانی و ضرورتهای سیاسی است، موضوع توسعه روستایی و اهمیت آن آشکار می شود و برای همین هم هست که گفته اند مشکلات آینده جهان سوم اعم از بیکاری، فقر، کمبود درآمد، گرسنگی، کمبود تولید و غیره باید در روستاها حل و فصل گردد. بنابر این توسعه روستایی به خاطر حل مشکلات مزبور و مخصوصاً برآوردن نیازهای اساسی مردم روستایی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است. اهمیت امر توسعه روستایی از آن جهت است که خیل عظیم جمعیت روستانشین از برنامه های توسعه ملی در دهه های گذشته نفعی نبرده اند و طرفی نبسته اند و در بسیاری موارد حتی وضعی



زندگیشان از سابق هم بدتر شده است. اختلاف سطح زندگی شهری و روستایی افزایش می یابد و بعلاوه فاصله طبقاتی در میان اقشار مختلف روستایی نیز پیوسته رو به افزایش است و از این رو مهاجرت روستائیان به شهرها شتاب بیشتری می گیرد. مهاجرین مشکلات روستایی را با خود به شهرها منتقل کرده و شهرها هر روز غیر قابل تحمل تر می شوند و زندگی دشوارتر می گردد. آقای منظور احمد که یکی از چهره های برجسته توسعه روستایی و کارشناس معروف سازمان ملل است هنگامی که صحبت از توسعه روستایی و تغییر شکل روستاها می کند، هشدار می دهد که باید برنامه های عمران روستایی در صدر اولویت توسعه اقتصادی در جهان سوم باشد لذا به قوت می توان گفت که باید در روستاها دست به اقدامات عمرانی همه جانبه و جدی زد و از شکست های گذشته درس آموخت، باید به مردم روستاها که در اثر استراتژی های توسعه دهه های گذشته به آنها عمداً یا سهواً توجهی نشده است توجه خاص مبذول گردد و برنامه های عمران روستایی با قدرت و تعهد و دلسوزی بیشتری از جانب دولت ها و با کمک مردم به مورد اجرا درآید. اگر در روستاها تولیدات باز هم رو به کاهش رود و مردم دلیلی برای ماندن در آن مناطق نیابند لاجرم بر شدت مهاجرتها به طرف شهرها افزوده خواهد شد. شهرهایی که توانایی جذب آنان را ندارند و خود لبریز از مشکلات و غرق در معضلات خویش هستند در آن صورت وضع از این هم بدتر خواهد شد. تا دیر نشده است باید توسعه و عمران روستایی رونق گیرد و مشکلات عدیده موجود تخفیف یابند والا به گفته پروفیسور مالاسیس فاجعه نزدیک است. فاجعه ای که دامن بشریت اعم از شرقی و غربی را خواهد گرفت.

مفاهیم و تعاریف توسعه کشاورزی

همانطور که قبلاً بیان شد توسعه مفاهیم و تعاریف مختلفی دارد و بعلاوه انجام آن امری دشوار، مشکل و پیچیده بوده و مطلبی است که باید در دراز مدت صورت پذیرد. توسعه کشاورزی هم بعنوان بخشی از اقتصاد یک کشور چنین طبیعتی داشته و اگر بخواهد بمعنی واقعی کلمه انجام شود کاری بس دشوار و مشکل است و بقول پروفیسور لوئیس مالاسیس انجام این کار یعنی توسعه کشاورزی در عین حال که ضرورت دارد ولی خارج از حد توانایی تعداد معدودی از مالکین بزرگ و اقلیتی تحصیل کرده و مدیران دولتی و کارمندان اداری و انبوه کشاورزان و روستائیان کم سواد و یا بیسواد می باشد. توسعه کشاورزی در چهار چوب توسعه ملی یک کشور مورد بحث قرار می گیرد و بعنوان یک بخش اقتصادی مهم نقش حیاتی در توسعه ملی ایفا می نماید. مفهوم توسعه کشاورزی و تعریف آن مانند مقوله توسعه بطور کلی بعد از جنگ جهانی دوم تغییرات و تحولاتی یافته است و مدل های مختلف توسعه کشاورزی نیز توسط اقتصاددانان و صاحب نظران طراحی گردیده و به مورد اجرا درآمده است. بعد از جنگ دوم جهانی که تعریف توسعه عبارت از رشد اقتصادی بود و آن هم از طریق صنعتی شدن به سبک غربی، توسعه کشاورزی هم به معنی مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و رسیدن به هدف

لازم است به وجود آمده و نتیجه آن ایجاد و دوام ثبات سیاسی و اجتماعی کل جامعه خواهد بود. برنامه‌های آموزش و ترویج کشاورزی و تعلیم مهارت‌های مناسب به روستائیان در صورتی که منطبق با احتیاجات و شرایط ویژه روستاها و روستائیان طرح و اجرا گردد از عوامل کلیدی توسعه روستایی که شمار می‌آید و همچنین از اجزای لاینفک فرآیند کلی توسعه نیز می‌باشد. آموزش و ترویج کشاورزی و تعلیم مهارت‌های مربوط به کشاورزی تأثیر مهمی در حل سه مشکل اصلی و متداول در مناطق روستایی جهان سوم دارد این سه مشکل عبارتند از: ضعف و کمبود تولید، عدم برابری در توزیع درآمدها و عدم شرکت و بسیج عمومی مردم در کارهای عمرانی، آموزش، توانایی انسان را در امر تولید بالا می‌برد زیرا در تولید عامل انسانی از اساس کار محسوب می‌شود. هنگامی که تولید همه افراد جامعه روستایی بالا رفت لاجرم تولید در سطح روستاها افزایش می‌یابد و همچنین هرگاه همه افراد بر اثر آموزش مهارت‌های لازم و ضروری را کسب کنند می‌توانند در تولید نقش موثری داشته و در نتیجه درآمدهای متعددی را کسب نمایند، در این صورت است که مشکل وجود عدم برابری در توزیع درآمدها می‌تواند حل شده یا تخفیف یابد و همچنین وقتی که درآمدها افزایش یابد لاجرم تقاضا برای تولیدات مختلف صنعتی و خدماتی و کشاورزی افزایش یافته و موجب می‌شود که روستائیان و کشاورزان از موانع توسعه در سطح جامعه با برابری نسبی برخوردار گردند و از این رو شرایط اساسی شرکت مردم در کارهای عمومی فراهم شود. چون بیشتر مردم در کشورهای جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و غالباً به فعالیتهای کشاورزی اشتغال دارند، عنصر کلیدی در کوششهای عمران و توسعه روستایی مربوط به آموزش دادن توده‌های وسیع مردم است تا جایی که بتواند امور خود را تمشیت داده و قادر شوند از طریق افزایش بازدهی ناشی از کار مداوم توأم با دانایی روی پای خود بایستند و سهم متناسب خود را از بهداشت، بهتر، آموزش بهتر، مسکن، خدمات بهداشتی، آب آشامیدنی و تغذیه دریافت دارند و بالاخره اگر بنابه گفته نبره عمره روستایی به معنای توسعه و ترقی مردم و زندگی و محیط آنها باشد آنها باید قادر به انجام امر توسعه باشند و اگر قرار است که مردم به عمران و توسعه روستایی دست بزنند آنها باید برای اینکار قدرت کافی داشته باشند تا بتوانند فعالیتهای خود را در چهار چوب جوامع خویش کنترل کنند و همچنین آنها باید توانایی لازم را برای افزایش فشار موثر در سطح ملی به منظور تحقق خواسته‌های خود داشته باشند. داشتن توانایی مستلزم اکتساب دانایی است و اکتساب دانایی از طریق آموزش میسر است، هر چند خرد نیز برای انسانها اعم از شهری و روستایی لازم است که شاید نتوان به وسیله آموزش آن را بدست آورد. خلاصه عنصر کلیدی در توسعه و عمران روستایی انسان است و انسان با آموزش دانا و در نتیجه توانا می‌شود و می‌تواند محیط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود را کنترل کند و در نتیجه از منابع بدست آمده که ناشی از کنترل مزبور است استفاده نماید.

رشد کشاورزی تلقی می‌شود. بخش کشاورزی در تلقی توسعه به معنی رشد اقتصادی دو وظیفه اصلی بعهده داشت. یکی تهیه و تولید غذای ارزان قیمت برای کارگران صنعتی و طبقات شهرنشین و دیگری تأمین نیروی انسانی برای اشتغال در صنایع نوپای شهری. این نظریه منطبق بر فرآیند تاریخی توسعه و پیشرفت کشورهای غربی بود. البته کشورهای مزبور در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بخاطر وجود عوامل متعدد و مستعدی توانستند به سرعت صنعتی شوند و رشد اقتصادی را از طریق صنعتی شدن بدست آورند. بخش کشاورزی این کشورها بواسطه وجود علل و عوامل چندی توانست وظیفه تأمین محصولات غذای ارزان قیمت و نیروی کارگری لازم را برای بخش نوپای صنعتی انجام دهد. و لذا بعد از جنگ دوم جهانی الگوی توسعه غربی که در بطن آن توسعه کشاورزی هم وجود داشت بعنوان راه اصلی پیشرفت و ترقی مورد توجه بسیاری از متفکرین و صاحبزنان و سیاستمداران قرار گرفت.

نقش کشاورزی در توسعه روستایی

تجارب بدست آمده نشان می‌دهد که پشتوانه و محرک و استمرار بخشنده عمران روستایی توسعه کشاورزی است زیرا کشاورزی در روستاها منبع اشتغال و منشا تولید و درآمد است و آموزش و ترویج کشاورزی بعنوان وسیله افزایش تواناییهای انسان نقش بسیار مهمی در توسعه کشاورزی بازی می‌کند. از این رو آموزش و ترویج کشاورزی جهت توسعه کشاورزی ضروری بود و توسعه کشاورزی بنبوه خود موتور عمران روستایی است. اساساً توسعه روستایی با توسعه کشاورزی آغاز می‌شود و به کمک کشاورزی استمرار می‌یابد. با توجه به مطالب فوق اهمیت آموزش و ترویج کشاورزی در امر عمران روستایی آشکار گردد. آموزش و ترویج کشاورزی می‌تواند با رونق بخشیدن به کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزی موازنه نابرابر موجود بین شهرها و روستاها را کاهش دهد. چنانکه می‌دانیم موازنه سطح زندگی روستایی و شهری یکی از پایه‌های اصلی و اساسی استحکام جامعه می‌باشد آموزش و ترویج کشاورزی در سطوح مختلف می‌تواند جوامع بسته مناطق روستایی را به روی نوآوریهای مفید باز کند تا با استفاده از آن نوآوریها از حالت عقب‌ماندگی خارج شوند و با دنیای پیشرفته ارتباط برقرار کنند. تسهیل پذیرش تکنولوژیهای مناسب و به کارگیری روشهای جدید کشاورزی توسط کشاورزان از ارغمانهای آموزش و ترویج کشاورزی است که باعث می‌شود روستائیان هرچه بیشتر قدرت و توانایی تولیدی کسب کنند و از همه نیروها و استعدادهای خویش استفاده نموده و بر تولیدات خود بیفزایند و با استفاده از توانهای اکتسابی در امر بازاریابی که آن هم بوسیله آموزش میسر است درآمدهای خویش را بالا ببرند و در نتیجه زندگی شرافتمندانه‌ای که شایسته شخصیت والای انسانی است کسب نمایند. آموزش و ترویج کشاورزی در ایجاد جامعه پویا و سعادت‌مند روستایی نیز می‌تواند کمک موثری بنماید. در جامعه‌ای که مردم در رفاه و آسایش و سعادت بسر برند به تحقیق در آن جامعه اساسی که برای رشد متعادل شهرها و روستاها

